

هنرهای تجسمی

برگزیدگان ورسوس چهارم معرفی شدند

معرفی هنرمندان جوان به گالری‌ها

**[شهروند]** نمایشگاه چهارمین دوره جایزه «ورسوس» ویژه نقاشان زیر ۳۰ سال روز جمعه، چهارم بهمن، در خانه هنرمندان آغاز به کار کرد. پیش از افتتاح نمایشگاه نشست با حضور مهنروش بهبودی و فردین عالی‌زاد، بنیان‌گذاران ورسوس و همچنین ساسان نصیری، مهدی احمدی و عطا هاشمی‌نژاد از اعضای هیأت انتخاب آثار برگزار شد.

در ابتدای این نشست مهنروش بهبودی گفت: «سه دوره از مسابقه ورسوس به نقاشی اختصاص داشته و در یک دوره نیز میزبان هنرمندان مجسمه‌ساز بودیم. هر سال پس از اعلام فراخوان کارهای زیادی از اقصی نقاط ایران به دست ما می‌رسد که پنج داور آنها را گزینش می‌کنند و تعدادی از آنها برای شرکت در نمایشگاه انتخاب می‌شوند. امسال حدود دوهزار اثر از حدود ۸۰۰ هنرمند به دست ما رسید که تعداد زیادی از آنها هنرمندان شهرستانی بودند.» او با بیان اینکه در صورت فروش آثار، همه مبلغ فروش به خود هنرمند تعلق می‌گیرد، افزود: «امسال برای نخستین بار اسپانسرهایی در کنار خود داریم. فروشگاه‌های زنجیره‌ای «اسپار» نفر اول مسابقه را به مدت یک هفته برای یک تور فرهنگی به اتریش می‌فرستد و گالری آریانا هم پس از پایان این نمایشگاه آثاری را که به فروش نرفته‌اند به مدت ۶ روز به نمایش می‌گذارد و آنجا نیز همانند ورسوس، در صورت فروش آثار صددرصد مبلغ به هنرمند تعلق می‌گیرد.»

در ادامه فردین عالی‌زاد نیز با بیان اینکه از ابتدا رویکرد ورسوس کمک به جوانان بالاستعداد بوده است، گفت: «بررسی کارها و کیفیت آنها نشان می‌دهد که استعدادهای خوب زیادی در تهران و شهرستان‌ها داریم. هدف ما این است که ورسوس بتواند جوانان هنرمند را به جامعه معرفی کند.»

ساسان نصیری از اعضای شورای انتخاب این دوره ورسوس گفت: «در خلا ارگان‌هایی که باید از هنرمندان جوان حمایت کرده و آنها را معرفی کنند، برگزاری رویدادهایی مانند ورسوس بسیار مفید است و امیدوارم همچنان ادامه داشته باشد و شاهد موفقیت آن باشیم.»

مهدی احمدی نیز با بیان اینکه استعدادهای فراوانی در میان کارهای رسیده، مشاهده شده است، گفت: «آثار هنرمندانی را انتخاب کردیم که احساس می‌کردیم آینده خوبی خواهند داشت. با هم فکری دوستان مجموعه با کیفیتی انتخاب شد و امیدواریم فروش خوبی هم برای هنرمندان به همراه داشته باشد.» همچنین عطا هاشمی‌نژاد، دیگر عضو هیأت انتخاب گفت: «نکته جالب توجه در ورسوس این دوره حضور چهار برابری هنرمندان زن در قیاس با مردان است.» در ادامه جلسه مهنروش بهبودی با بیان اینکه ۱۱ اثر طراحی و نقاشی از ۶۷ هنرمند در این مجموعه به نمایش درآمده است، افزود: «روپای ما این است که ورسوس آن قدر بزرگ شود که بتوانیم رشته‌های هنری دیگر را نیز پوشش دهیم.»

معصومه مظفری، شهلا حسینی و امیرحسین اعتماد محمدمهدی فولادشکن، نازنین فرجینیک و مهسا رحیمی‌نیا را به‌عنوان نفرات اول تا سوم چهارمین دوره ورسوس انتخاب کردند. نمایشگاه آثار برگزیده ورسوس تا هجدهم بهمن در گالری‌های ممیز، میرمیران، زمستان و پاییز خانه هنرمندان ایران برپاست. □

روی خط سینما

- اجرای نمایش «زخم مدینه»، که از پنجشنبه نوزدهم دی در مجموعه فرهنگی ایوان شمس روی صحنه رفت، تا چهارشنبه نهم بهمن، مصادف با سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) تعدد شد.
- نوید محمدزاده و هوتن شکیبا از بازیگران موفق سینما و تئاتر ایران در جدیدترین تجربه کارگردانی آتیلا پسیانی ایفای نقش می‌کنند. نمایش «قهوه فجری» قرار است بعد از برگزاری سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برود. اصغر پیران، روح‌الله قوی‌قوئی لسان و نوید جهانزاده از دیگر بازیگران این اثر نمایشی هستند.
- مهدی شادی‌زاده از ثبت تک‌درخت به نام عباس کیارستمی و ساخت و نصب مجسمه این کارگردان در زیرتک درخت معروف خبر داد.
- دوایین جانسون با انتشار تصویری از شروع مراحل فیلم‌برداری و تولید فیلم Red Notice که قرار است از شبکه‌های نتفلیکس منتشر شود، خبر داده است.
- فیلم «پسران بد تا آخر عمر» محصول استودیو سونی به عملکرد چشمگیر خود در باکس آفیس آمریکای شمالی ادامه می‌دهد و تخمین زده می‌شود با فروش ۷ میلیون دلاری در روز جمعه بتواند فروش هفته دوم اکران خود را به ۲۵ میلیون دلار برساند و باز هم در صدر قرار بگیرد.
- جی. مایلز دیل با انتشار توییت جدیدی از آغاز مراحل فیلم‌برداری فیلم اقتباسی و ترسناک Nightmare Alley (کوچه کابوس) به کارگردانی گیرمو دل تورو، که بازیگران سرشناس و محبوبی نظیر بردلی کوپر و کیت بلانشت در آن ایفای نقش می‌کنند، خبر داد. □

خبر آخر

محمد رضا زاله در «زمانی برای زیستن»



تولید فیلم کوتاه «زمانی برای زیستن» به نویسندگی و کارگردانی سروش حسین جانی و تهیه‌کنندگی محمد رضا احتشام یازدهم بهمن ماه در تهران کلید می‌خورد. محمد رضا زاله به‌عنوان بازیگر اصلی در این فیلم ایفای نقش می‌کند. داستان فیلم قصه پرپیچ و خم خوابی است که زمان و مکان در آن تغییر می‌کند. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «خواب یا بیدار، هیچ وقت نمی‌شود این را ثابت کرد که ما در زمان خواب بیداریم یا در بیداری خوابیم! همه ما در زمان زیستن دچار اتفاقاتی شگرف می‌شویم و فقط با کمی تأمل و ذکاوت می‌توانیم مسیر درست زیستن رو نشانه بگیریم و تمام...» □

اطلاعیه بنیاد رودکی درباره حاشیه‌های ارکستر سمفونیک تهران

**[شهروند]** بنیاد رودکی به دنبال حاشیه‌های اخیر اجرای ارکستر سمفونیک تهران در اطلاعیه‌ای توضیحاتی را درباره اجرای سوم بهمن ماه ارکستر سمفونیک تهران در تهران و نبود شهرداد روحانی در این اطلاعیه آمده است: «آقای شهرداد روحانی در تاریخ بیست‌وششم دی ماه، رسماً به بنیاد رودکی اعلام می‌کنند که به دلیل بیماری و انجام امور درمانی امکان رهبری ارکستر سمفونیک تهران را در تاریخ سوم و ششم بهمن ماه نداشته و ایشان با اطلاع بنیاد رودکی در مرضی بودند. اظهارات آقای سهیلی به‌عنوان رهبر میهمان در ابتدای برنامه شب گذشته خارج از شرح فعالیت رهبر میهمان، افزون بر آنکه زحمات سازندگان گران قدر ارکستر، جناب آقای روحانی و حتی خود ایشان را تحت الشعاع قرار داد. آرزوی عمیق مخاطبان ارکستر سمفونیک تهران رانیز موجب شد. بنیاد رودکی لازم می‌داند از مخاطبان حاضر در سالن و کلیه علاقه‌مندان به ارکستر سمفونیک تهران عذرخواهی کند و با بررسی کامل موضوع، اقدامات لازم را برای پیشگیری از تکرار آن اتخاذ می‌کند.» همچنین شهرداد روحانی هم در صفحه اینستاگرام خود از اجرای ارکستر سمفونیک تهران در تاریخ ششم بهمن به رهبری بردیا کیارس خبر داد. □



نمایی از سربال «دل» □



نمایی از سربال «گردن» □



نمایی از سربال «مانکن» □

تمام عوارض تلویزیونی شدن شبکه نمایش خانگی

**[پولاد امین]** بازتاب‌های بخش نامه رئیس قوه قضائیه مبنی بر اینکه مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی بر عهده سازمان صداوسیماست، همچنان ادامه دارد؛ بخش نامه‌ای که در آغاز به‌واسطه اینکه گمان می‌رفت حتی می‌تواند صفحات شخصی افراد را در رسانه‌های اجتماعی نیز شامل شود، واکنش‌های پرشماری را در فضای مجازی موجب شد. حالا اما نوبت وی.اودی‌ها و سامانه‌های عرضه آنلاین محصولات فرهنگی رسیده است؛ سامانه‌هایی که طیفی‌ا‌صرا دارند شامل تعریف صوت و تصویر فراگیر هستند، اما بیشتر کارشناسان بر این باورند که تعریف «صوت و تصویر فراگیر» کمترین هم‌خوانی با شرح وظایف این سامانه‌ها ندارد. سرنوشت این سامانه‌ها و اصلاً در کل سرنوشت محصولات شبکه نمایش خانگی موضوع دیگری است که این بحث به آن دامن زده است. اینکه آیا در صورتی که سلیقه صداوسیما قرار باشد این سامانه‌ها را مدیریت و جهت‌دهی کند، استقبالی که مردم از محصولات آنها کرده‌اند، ادامه خواهد یافت؟ آیا در آن صورت تبدیل نخواهند شد به سامانه‌هایی که محصولات موازی صداوسیما را توزیع می‌کنند؟ آیا شبکه نمایش خانگی که یکی از مهم‌ترین روزه‌های توزیع محصولاتش همین سامانه‌ها هستند، با این کار کم‌نفس‌تر از اکنونش نخواهد شد؛ که پرنفوس و قدرتمند در حال رقابت با محصولات و سربال‌های صداوسیماست و در هفته‌های اخیر از نظر کمی و تعداد سربال‌ها نیز مخاطبان را در دوره‌ای انتخاب بین نمایش خانگی و صداوسیما قرار داده است؟ در این زمینه‌ها با سعید رحبی فرتون صحبت کردیم. یکی از مدیران وزارت ارشاد که دست به قلم است و با تحلیل‌هایش از شرایط فرهنگی روز، خود را در قامت کارشناسی صاحب‌نام نیز تثبیت کرده است. کارشناسی که البته شاید به مقتضای مسئولیت اداری‌اش نمی‌خواهد چندان صریح و رک صحبت کند: «اگر روند وقایع و اخبار را دنبال کرده باشید، قطعاً گفت‌وگوی آقای طباطبایی‌نژاد را خوانده‌اید که مواضع ارشاد را در این مورد با رسانه‌ها مطرح کرده؛ پس یعنی اینجا مواضع من مواضع شخصی خودم است.»

ما هم با شما به‌عنوان یک کارشناس صحبت می‌کنیم و نه به‌عنوان یک مدیر دولتی؛ اینکه تجمیع صدور تمام مجوزها در یک نهاد یا نگارش و تفکر امتحان پس‌داده‌ای که نتیجه‌اش را در برنامه‌های صداوسیما می‌بینیم، منطقی است؟

خب روال و منطق قضیه حکم می‌کند که در صدور مجوزها یک نهاد و مرجع مشخص، رسمی و قانونی وجود داشته باشد؛ اینکه ما این توجیه که بخواهیم نگاه‌ها و سلاطین متفاوت و گوناگون را در این قضیه وارد کنیم، مراکز صدور مجوزها متکثر باشند، چندان درست و منطقی به‌نظر نمی‌رسد؛ و چنانچه سنگ‌ریزی سنگ‌بند نمی‌شود؛ یعنی در این موضوع که باید مرکز واحدی درباره مجوزها تصمیم بگیرد، تردیدی وجود ندارد. مرکزی که درباره مجوزها تصمیم‌گیرد و پاس‌خورش و وضعی به‌متقاضیان بدهد.

**یعنی شما با تجمیع صدور مجوز در این زمینه در صداوسیما موافق هستید؟**  
من فعلاً در مورد موافقت یا مخالفت حرف نمی‌زنم. در واقع بیشتر دارم در مورد الزامات این قضیه صحبت می‌کنم که مهم این است قانونی که برای این ماجرا نوشته می‌شود، قانونی جامع و مانع و مبتنی بر مقتضیات روز باشد و در ثانی کسانی که مجری این قانون هستند و قرار است این قانون را باین نام‌ها و شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مکمل به نحو خوبی اجرا کنند، در درستی از قانون و مقررات ضمیمه‌اش داشته باشند تا بتوانند آن خواسته‌ها و مویات قانون‌گذار را به‌درستی عینیت بخشند.

**بگذارید ماجرا را از زاویه دیگری نگاه کنیم. با توجه به تعاریفی که از «صوت و تصویر فراگیر» رایج شده، فکر نمی‌کنید این قضیه باعث شود وزارت ارشاد به‌جز صدور مجوز سینمایی و کتاب، مرجعیتش را در عرصه فرهنگ از دست بدهد؟ چون با این تعاریف موجود تقریباً هر محصول فرهنگی‌ای می‌شود ذیل «صوت و تصویر فراگیر» تعریف کرد. آیا سپردن این امر به صداوسیما خودش نوعی وظیفه‌سازی موازی نیست؟**

در مورد بخشنامه اخیر رئیس محترم قوه قضائیه و برداشت‌ها و تلقی‌هایی که سازمان صداوسیما دارد، باید بگویم که ما در ارشاد که‌ما‌فای‌السابق داریم کارمان را انجام می‌دهیم و خدمات‌مان را طبق آنچه قانون به‌ما حکم کرده که پاس‌خور می‌درم و متقاضیان باشیم، ارایه می‌دهیم. اگر بعد از این تصمیم تازه‌ای اخذ شود، باری از دوش ما برداشته شود و تکالیفی بردوش سازمان دیگری نهاده شود، همه مستلزم این است که تشریفات قانونی و اداری و گردش کار لازم طی شده و به‌مابلاغ شود.

**«صوت و تصویر فراگیر» تعاریف گسترده‌ای را می‌تواند شامل شود؛ ظاهراً این خود یکی از دلایل بروز اختلافات است. شما تعاریف‌تان از این حوزه چیست؟**

آنچه الان محل بحث است و بارها هم بر آن تأکید شده این است که «صوت و تصویر فراگیر» آن‌گونه که از ادبیات علمی مربوط به حوزه رسانه برمی‌آید، مربوط به رسانه‌ها و پلتفرم‌هایی است که انبوهی از مخاطبان ناشناس دارند و در نقطه مقابل هم مراکز صوت و تصویر غیرفراگیر سیستم‌ها، سرویس‌ها و سامانه‌هایی هستند که مخاطب و کاربرانشان در دسترس و قابل شناسایی هستند. آنچه در سال‌های اخیر تحت‌عنوان مجوز مراکز عرضه برخط ویدیویی به مخاطبان داده شده است و از رهگذر این مجوزها در حال حاضر چند برند در کشور با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلاما می‌فعالیت می‌کنند، ناظر بر همین بوده که این سامانه‌ها و سرویس‌ها بنیان نیست پاد‌رکفش رسانه‌های کشور کنند و بخواهند نقش صوت و تصویر فراگیر را ایفا کنند.

**اما ظاهراً تعاریف صداوسیما کاملاً متفاوت از این قرأت شماست.**  
به نظر می‌آید همان‌گونه که قبلاً هم گفتیم مرجع‌عالیه‌ای باید این اختلاف نظر و اختلاف قرأت در معنای صوت و تصویر فراگیر را یک‌بار برای همیشه روشن کند تا بعد از آن شاهد با یک تقسیم‌کار ملی، رسانه‌های مختلفی که در این زمینه کار می‌کنند با روشنی و وضوح بیشتری بتوانند خدمات‌شان را ارائه دهند.

**یعنی شما سامانه‌های «وی.اودی» را مشمول عنوان صوت و تصویر فراگیر نمی‌دانید؟**  
«وی.اودی»‌هایی که دارند کار می‌کنند، بر اساس آیین‌نامه‌هایی که ما داریم، نه به‌عنوان

برودکست بلکه به‌عنوان یونیکست فعالیت دارند، که به نظر می‌آید فعالیت‌هایشان کمترین معایرت و ممانعتی با نصوص و مواد قانونی مربوط به وظایف انحصاری صداوسیما ندارد.

**چون این تعاریف هنوز هم حل‌نشده مانده و مخاطبان ما در درک آن مشکل دارند، با ذکر مثال می‌توانید بگویید این عنوان شامل چه نوع فعالیت‌های رسانه‌ای است؟**

اول اینکه این پرسش را باید رئیس سازمان مربوط پاسخ دهد، اما به‌عنوان کارشناس تلقی خود را در عرف این ماجرا ارایه می‌دهم. که کسانی که موفق به دریافت مجوز صوت و تصویر فراگیر از صداوسیما شوند، حق دارند پخش زنده آنلاین از ایونت‌های مختلف داشته باشند؛ اجازه دارند در چارچوب توافقاتی که با رسانه ملی دارند مبادرت به بازپخش، بازگذاری و آرشیو برنامه‌های صداوسیما کنند. همچنین مراکز صوت و تصویر فراگیر بر اساس جدول پخش یا به‌اصطلاح کنداکتور روزانه از قبل برنامه‌ها و خدمات‌شان را مشخص و معلوم می‌کنند تا کاربر بتواند در زمانی معلوم و مشخص از برنامه‌ای که باریش بازگذاری شده است، استفاده کند.

**حالا ببینیم از این منظر نگاه کنیم که شما فرض کنید اعطای مجوز «وی.اودی»‌ها نیز رشته‌ای زیر نظر صداوسیما.**  
اصلاً دوست ندارم این اتفاق بیفتد.

**چرا؟**  
چون عوارضی دارد که خاطر همه را مکدر می‌کند.

**مثلاً چه عوارضی؟**  
مثلاً این نظر که به ادعای صفحه اصلی سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر، در یک‌سال اخیر حدود ۷۰ مجوز در حوزه‌های مختلف داده شده، اما خروجی این مجوزها کلاً در آن صفحه ۷۰-۸۰ اسم و عنوان هست، اما تاکنون حداقل من که خروجی این مجوزها را ندیده‌ام.

**باز برگردیم سر جای اول مان؛ چرا؟**

به هر حال هر کار آدابی دارد، اصولی دارد، توانمندی‌هایی می‌خواهد، شناخت می‌خواهد و خیلی چیزهای دیگر. الان دو برند فیلمی و نماوا با همکاری موسسات ویدیو رسانه برای صرفت‌تأصد تولید و عرضه محصول برنامه‌ریزی می‌کنند، اما این سازوکار در چارچوب مقررات و ضوابط صداوسیما تقریباً نشدنی است. تقریباً از جنس دیگری است. مضاف بر این، چون صداوسیما نمی‌خواهد در معرض انتقادات و پرسش‌های گوناگونی درباره محصولات این حوزه قرار بگیرد، سعی خواهد کرد با همان دست‌فرمان تولیدات خودش حرکت کند و این هم یعنی کپی‌های برابر با اصل محصولات که در حال حاضر مردم آنها را در شبکه‌ها به‌رایگان تماشا می‌کنند (پنمی‌کنند).

**فقط، یعنی یک سازوکار امتحان پس‌داده در جای دیگری دوباره همان روند را تکرار می‌کند.**

بله؛ اما حتی این هم بعید است که تولیدات مشابه تلویزیون را در این شبکه‌ها ببینیم. چون سرمایه‌گذاران می‌دانند که مردم برای تماشای سربال‌ها، برنامه‌ها و محتواهای مشابه همان‌هایی که در شبکه‌ها به‌رایگان قابل تماشا است، حاضر به خرید یا پرداخت هزینه نیستند؛ مگر اینکه محصولات متفاوتی عرضه شود.

**این همان است که در ابتدا گفتیم کنترل تمام حوزه‌ها توسط یک سلیقه خاص، نه؟ البته ما هر وقت این حرف را می‌زنیم، می‌گویید که رونق این فضا به این دلیل است که خطوط قرمز شکسته می‌شود. اما این طور نیست. بحث سلیقه است. بحث این است که سینمای ایران و محصولات نمایش خانگی سعی کرده یک مقدار قرابت و نزدیکی بیشتری با واقعیات موجود در زندگی مردم داشته باشد و همه سطوح و لایه‌های اجتماعی را به‌تصویر بکشد. خب این خیلی به‌بازویزی‌فصه‌ها کمک می‌کند. اما تلویزیون خواسته‌یانا خواسته خودش را در یک محدوده تنگ و تری‌ش گرفتار کرده و از آن فراتر نمی‌رود.** □